



۲۰۱۳/۰۷/۱۰

تیمور شاه تیموری

باز هم درباره قانون منع خشونت علیه زن ها

رد شدن و یا به تعویق انداختن قانون منع خشونت علیه زن ها از طرف ولسی جرگه افغانستان که تقریباً چهار سال به اساس فرمان تقنینی رئیس جمهور در منصبه اجراء بود، جر و بحث های زیادی را در بین منورین سبب گردیده و موضوع داغ روز در رسانه ها و تلویزیون ها شده است، که نسبت به دیگر مباحث هر اندازه بحث و ابراز نظر درین مورد صورت بگیرد جا دارد و لازم و ضروری دانسته می شود. زیرا آزادی نصف جمعیت مملکت و ترقی و تعالی جامعه در آن مضمحل است.

به تاریخ نهم جون سال جاری جناب فاضل دانشمند داکتر سید عبدالله کاظم تحت عنوان «بحث بر حقوق زنان به ۹۰ سال قبل بر می گردد» مقاله غرائی در پورتال وزین افغان جرمن آن لاین به نشر رسانیدند که در آن اصولنامه و تصاویر لویه جرگه دوره اعلیحضرت امان الله خان غازی را طور مفصل و مشروح توضیح داشته و به خواننده فرصت داده اند که اوضاع امروز را با ۹۰ سال قبل مقایسه و بدانند که ما از ۹۰ سال قبل چیزی به پیش نرفته ایم بلکه هنوز هم سیر قهقرائی را طی می نمایم و این یک مقایسه شرم آوری است که ما امروز بجا می آوریم.

همچنان نویسنده و نطق توانا و با درد جناب عارف عباسی تحت عنوان «اندر باب موقف زن در جامعه افغان» به تاریخ ۲۶ جون در همان پورتال مقاله مفصلی ارقام و نکات بس مهم را ارشاد فرموده اند. جناب شان می نگارند:

کسانی که حق زن را پایمال می نمایند پدر، برادر و شوهران اند. آیا اینها می دانند که کار ناصواب را انجام می دهند و به خطا رفته اند؟
و می فرمایند:

تأمین حقوق زن را بطور مشروع و قانونی آن می طلبیم و منظور از رهائی زن از اسارت بسی خرافات و عنعنات و رسومی است که مولود یک فرهنگ عقب گرا و منحط می باشد و مثال های زیادی ازین رسوم و رواج های موجود است که هیچ کدام اساس دینی ندارد.

همچنان جناب عباسی صاحب می نویسند که اگر قانون منع خشونت علیه زن ها توسط پارلمان تصویب و توسط رئیس جمهور توشیح گردد آیا این قانون مجال تطبیق در عمل را خواهد داشت؟ آیا مجریان قانون واقعاً از صدق دل برای زن حق قائل اند؟

جناب عباسی صاحب واقعاً به نقاط بس مهم و اساسی اشاره فرموده اند، اگر قانون جنبه عملی و تطبیقی نداشته باشد و دارای یکی از ارکان مهم خود که مؤئیده «مجازات» است نباشد و آن جزا تطبیق نشود کاغذ پاره ای بیش نیست و مثل سائر قوانین مملکت در ورطه فراموشی سپرده خواهد شد.

هرگاه یک نظر اجمالی بیاندازیم قوانین و تمام گفته ها بر این محور می چرخد که از طرف مرد های فامیل بالای زن های فامیل ظلم و استبداد، قیود و سلب آزادی صورت می گیرد. یعنی مردان حق زن ها را نمی دهند و زن ها حقوق خود را نمی خواهند و یا نمی توانند از مردان بگیرند... این عدم داد و ستد از قرن ها به این طرف از نسل ها به نسل ها دوام دارد و در ضمیر و خمیر مرد ها عجین شده است که من مرد هستم و باید بر زن حاکمیت داشته باشم و زن ها به این تن داده اند که چون زن هستم باید فرمان ببرم. اینکه مرد نان آور خانواده بوده اند این حاکمیت را وزن بیشتری داده است.

اکنون سؤال به میان می آید که آیا این خصیصه ای که نسل بالنسل و خون بعد خون به شکل وراثت انتقال ممکن است با انفاذ قوانین از آن صرف نظر گردد؟

بلی! هرگاه قوانین مکمل و همه جانبه با پیگرد صحیح و تطبیق مکمل بعمل آید ممکن از بعضی بی مبالاتی ها جلوگیری بعمل آید اما قانون نیز نمی تواند دقایق بیست و چهار ساعت را در یک فامیل کنترل نماید. پس به گفته دیگر عباسی صاحب متوصل می شویم که گفته اند:

د پائو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلیکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

یگانه راهی که باقی می ماند بکار بستن شیوه دیموکراتیک بخش اطلاعات موثر و مفید، بسط توسعه معارف و انفاذ قوانین مربوط و تطبیق آن است. در باره انفاذ قوانین و تطبیق آن صحبت شد.

بخش اطلاعات موثر و مفید نیز طرف تائید است و در باره نکته بسیار مهم بسط و توسعه معارف صحبت می کنیم: هر گاه معارف را آگاهی زن و مرد از حقوق شان و حقوق همدیگر قبول کنیم آیا بچه شکل طوری که فرموده اند در دهات و قصبات گسترش دهیم. در دهات و قصبات در جامعه ای که بالاتر از هشتاد فیصد آن بیسواد است اخبار کتب و مجلات و غیره راه ندارد. هرگاه به رادیو و تلویزیون اعتماد کنیم به آنها هم اکثریت دسترسی ندارند. و آنها پروگرام های موثری نیز ندارند. پس یگانه کسانی که در آن جاها راه دارند و گفته های شان تاثیری به همراه دارد ملا صاحبان مساجد اند. آیا کسی قبول می کند که ملای در گفتار های همیشگی خود قسمتی از حقوق زن ها را ولو مذهبی نیز باشد علاوه کند؟ از طرف دیگر باید از حقوق خود و هم دیگر هم زن و هم مرد نه برای یکمرتبه و نه مرتبه بلکه برای همیشه خبر شوند. و کسانی باشند که یومیه برای شان تعلیم دهند. به نظر من این مکاتب است که باید در پروگرام های درسی خود مضمونی بنام حقوق زن و مرد در نصاب تعلیمی خود داشته باشند و توسط معلمین خالی از تعصب درس داده شود تا دختر و پسر از ایام صباوت از حقوق همدگر آگاه شوند و به آن احترام داشته باشند و این مضمون باید مضمون مهم سال تعلیمی باشد که ناکامی در آن ناکامی تمامی سال تعلیمی را سبب شود. آنگاه است که این مرد سالاری و این تبعیض طوریکه با شیر در طول قرن ها در خون زن و مرد تزریق شده به مرور سال های متمادی از نسل بالنسل به تدریج کم شده و زوده شده می رود در غیر آن چنانچه در نود سال اخیر به یک حال هستیم در صدها سال آینده نیز به همین منوال باقی خواهیم ماند.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ